

راهکارهای تقویت نقش فرهنگی - اجتماعی در فضاهای شهری به منظور احیای مفاهیم شهر ایرانی اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲

کد مقاله: ۱۹۱۱۵

میلاد فتحی^۱

چکیده

تغییرات فرهنگی و بروز دگرگونی های اجتماعی، جلوه های خود را در محیط های انسان ساخت نمایان خواهد ساخت. با توجه به رابطه فعالیت های انسان با فرهنگ، شهر بستری است که در آن فرهنگ از طریق فعالیت ها و ارتباطات انسانی به جریان درمی آید. فضاهای شهری به عنوان تجسم مظاهر فرهنگی هر جامعه ای باید در خدمت ارزش ها و هویت فرهنگی جامعه خود باشد. هدف این مقاله ارائه راهکارهایی جهت احیای مفاهیم شهر ایرانی اسلامی با رویکرد تقویت نقش فرهنگی - اجتماعی در فضاهای شهری است. به این منظور ضمن بررسی روند شکل گیری تغییرات در فضاهای شهری ایرانی، به شناخت عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر در ساخت کالبد این فضاها به عنوان بارزهای هویتی شهرهای ایرانی پرداخته شده است تا با تکیه بر بازشناسی این عوامل بتوان راهکارهایی برای رجوع به فرهنگ غنی اسلامی ایران در ساخت فضاهای شهری ارائه داد. از این رو به نظر می رسد، شناسایی ارزش ها، اندیشه ها و اصول شکل دهنده فضاهای شهری ایرانی با بهره گیری از متون، مستندات و شواهد تاریخی موجود در جهت تدوین اصول شکل دهنده فضاهای شهری امروزی اصلی ترین راهبرد نیل به سوی این هدف باشد.

واژگان کلیدی: هویت ایرانی، فضای شهری، فرهنگ ایرانی، فضاهای شهری معاصر

در سنت شرقی، شهرنشینی و شهرهای اسلامی در طول چهارده قرن پیش تاکنون بر پهنه بسیار وسیعی گسترده شده و در نواحی مختلف جهان بسط یافته است و در اجزای بسیاری از تمدن‌ها و ایدئولوژی‌ها نقش چشمگیری داشته است. در تمام این دوران، شهرهای اسلامی به حیات، خلاقیت، توانمندی و بازسازی خویش ادامه دادند و بر بحران‌های مختلف فائق آمدند. این شهرها بر فراسوی شعاعی گسترده از طریق بنیادهای جدید احیاء شدند و بروز آنها از طریق سیستم‌های جدید شهری تحقق یافت. (دانش، ۱۳۹۰: ۵۹۰)

فرهنگ، یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی و نظام‌های نمادی مشترک، حاصل تلاش‌های جمعی مردم است که بر اثر ورود ساختارهای تازه ذهنی یا مادی جهان مدرن، درهم ریخته و دچار آشوب و بحران درونی شده است. ساختارهای دنیای مدرن نه تنها بافت ارزشی و بسیاری عوامل فرهنگی و ذهنی ما را دگرگون ساخته، بلکه شهرها و فضاهای شهری ما را با بحران هویت و کاهش کیفیت زیستی مواجه کرده است. آنچه مسلم است، ما مردمی با ویژگی‌ها، تاریخ و ارزش‌های خاص خود هستیم و فضاهای شهری به مثابه تجسم عینی هویت فرهنگی، می‌بایست بازتاب آن باشند. آنچه به عنوان بحران هویت در معماری و شهرسازی کشورمان از آن یاد می‌شود، بیشتر معلول عدم توجه به چیستی هویت و مفهوم صحیح هویت فرهنگی است. به ویژه مهاجران مانند اصل یوپیایی در هویت فرهنگی که بسیاری تلاش‌ها را بی‌اثر نموده است. (اسدپور، ۱۳۸۵: ۴۵) در بررسی رابطه محیط انسان ساخت و فرهنگ سه رویکرد مطرح است. در رویکرد اول، شهر به مثابه یک پدیده جغرافیایی مکانی، در یک تصویر الگوواره، درمقوله یا گونه‌ای خاص قرار می‌گیرد. (شهر دینی یا شهر اقتصادی یا شهر سیاسی) و شهر با خصوصیتی کاملاً فرهنگی، خود را به مثابه «جهان خرد» یا یک «شهر جهانی» به نمایش می‌گذارد. (فکوهی، ۱۳۸۹: ۲۹۰) مانند شهر اسکندریه که به برکت ارج نهادن به فرهنگ، قرن‌ها دوام یافته و کانون انتقال ارزش‌ها به نسل‌های آینده شده‌اند. (توسلی، ۱۳۷۹: ۳۴-۳۶) رویکرد دوم، با اتکاء به روانشناسی محیطی، تاثیر متقابل محیط و فرهنگ انسانی را در قالب ویژگی‌های محیط کالبدی، فعالیت‌های انسانی و خصوصیات فرهنگی جامعه بررسی می‌کند. (بحرینی، ۱۳۸۴: ۴) رویکرد سوم، شهر را به عنوان سازمان اجتماعی فضایی، تولیدکننده فرهنگ و بستر مناسبی برای فرایند «فرهنگ‌سازی» معرفی می‌کند. (فکوهی، ۱۳۸۹: ۲۸۶) این رویکرد با اتکاء به نظریه هنجاری، دو مولفه فرهنگ شهری (آداب و رفتار زندگی و سکونت در شهر که در روابط و کالبد شهر جریان دارد) و شهر فرهنگی (شهری که فرهنگ در مناسبات اجتماعی، آثار گذشتگان، سنت‌ها، آیین‌ها، نمادها، زبان، روابط اجتماعی، کالبد و در تمام عناصر فرهنگی آن قابل مشاهده است) به عنوان اجزای مکمل مورد بررسی قرار می‌دهد. در صورت گسست در رابطه شهر و فرهنگ، شهر هویتی چهل‌تکه پیدا می‌کند و فرهنگ ساکنان، با توجه به تاثیر محیط در ذهن و روان آدمی، هویتی مغشوش و در نهایت هویتی بیگانه پیدا می‌کند. (نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۲)

بدیهی است که عدم سازگاری میان ارزش‌های فرهنگی معمار و ارزش‌های فرهنگی استفاده‌کنندگان، تا چه حد می‌تواند به احساس بی‌هویتی بیانجامد. بنابراین این موضوع نیازمند بررسی رابطه مخاطب (مردم)، هنرمند (معماران و شهرسازان)، اثر هنری (نمای شهری) و زبان مشترک دیالکتیکی (فرهنگ مشترک) می‌باشد. که از آن به هرمنوتیک یا علم تفسیر یاد می‌شود. هر چند در رویکرد هرمنوتیک تاویل و تفسیر یا قرائت یک اثر وابسته به شرایط مکانی و زمانی مخاطب اثر هنری می‌باشد، و بنا به پذیرش اصل کثرت‌گرایی امکان هرگونه تفسیری از اثر توسط بینندگان وجود دارد، با این وجود در رویکرد هرمنوتیک (رابطه هنرمند، اثر هنری و مخاطب) از دیدگاه اسلامی، رابطه هنرمند با مخاطب وابسته به کلیدها و رمزهایی است که عامل وحدت بخش مخاطب و هنرمند است. این کلیدها و رمزها تنها در سایه پذیرش معرفت و هستی‌شناسی اسلامی و به دور از هرگونه کثرت‌گرایی تعبیر می‌شود و تفکر منبعث از فرهنگ اسلامی-الهی، عامل وحدت‌بخش و هم‌زبانی معنایی در برداشت‌های متعدد مخاطبان از اثر، ضمن برداشت منطقی از آن می‌شود. لذا لزوم توجه به «فرهنگ اسلامی» به عنوان زبان مشترک و عامل مؤثر در هم‌زبانی معنایی میان معماران، شهرسازان و مردم در طراحی ضرورت دارد. (همان)

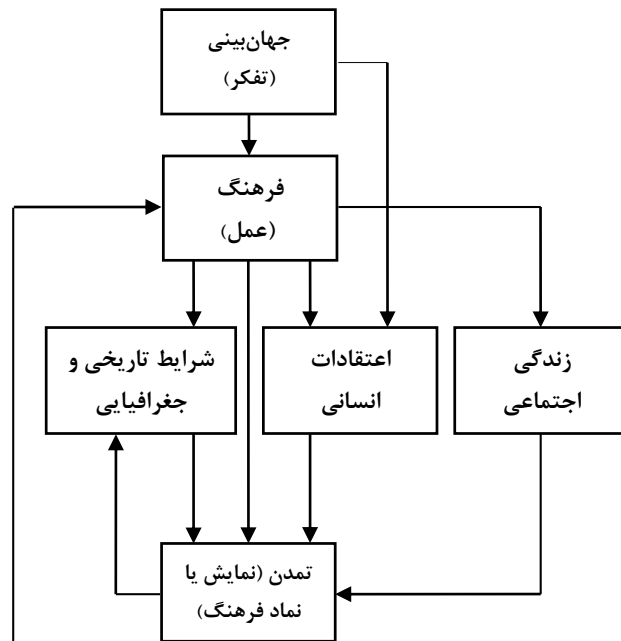
۲- ادبیات نظری

یکی از مهمترین عوامل شکل‌دهنده مباحث نظری طراحی و توسعه محیط‌های انسان‌ساخت، قواعد و باید و نبایدهای فرهنگی هر جامعه‌ای است که غالباً به صورت قوانینی نانوشته مورد احترام جامعه بوده و نقشی کلیدی در ایجاد محیط کالبدی و غیرکالبدی جامعه ایفا می‌نمودند. شهرهای اسلامی در ادوار مختلف از این قاعده مستثنی نبودند. اگرچه در مواردی تصمیم‌گیری‌های شخصی و کج اندیشی‌ها بر شکل‌گیری و توسعه مجتمع‌های زیستی تاثیر داشتند، لکن تاثیر اندیشه‌های اسلامی بر آنها غیرقابل انکار به نظر می‌رسد. از اینرو این نوشتار با توجه به اهمیت بحث در منظومه تأملات شهری، به‌ویژه مباحث بومی و درون‌زا، با رویکردی توصیفی-تحلیلی، علاوه بر اهتمام بر ارائه تصویری روشن از ویژگی‌های فرهنگی فضاهای شهری اسلامی، به تشریح و تبیین عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن می‌پردازد و در این میان، ضمن توجه به تاثیر محیط بر اعمال و رفتار انسان، و ایجاد محیط با هویت

برای انسان در این مقاله، در بررسی رابطه فرهنگ و محیط انسان ساخت، فرهنگ اسلامی را در سه حوزه به هم پیوسته ارزش‌های دینی، ارزش‌های اجتماعی و هویت اسلامی در فضاهای شهری مورد بررسی قرار گرفته است. راهکارهای این نوشته، تامین زیر ساخت‌ها و روستاها، فرهنگی، ضرورت توجه به معماری بومی در آموزش متخصصان، رعایت حقوق و امنیت شهروندان، استفاده از مصالح بوم‌آورد و ارائه طرح جامع احیا فضاهای شهر اسلامی را به عنوان عوامل موثر در دستیابی به فضاهای منطبق با فرهنگ ایرانی اسلامی رهنمون می‌شود.

۲-۱- فرهنگ اسلامی-ایرانی و تحقق آن در فضاهای شهری

سه عامل فرهنگ، اقتصاد و اقلیم، مشخصه‌های کالبدی، شکل، ساخت و ریخت‌شناسی شهری را به وجود می‌آورند. فرهنگ‌های متفاوت، نظام‌های اقتصادی متفاوتی را خلق می‌کنند و توان تغییر اهداف اقتصادی و سیاسی یک جامعه را دارند. چون درک کامل یک ساخت و یک نظام اقتصادی بدون دانستن پایه و اصول فرهنگی آن نظام میسر نیست. می‌توان گفت که فرهنگ یک جامعه نوع اقتصاد و اقتصاد آن جامعه نوع تکنیک، ساخت و نظام کالبدی آن جامعه را مشخص می‌سازد. (زیاری، ۱۳۸۲: ۹۷) تنوع تعاریف ارائه شده برای فرهنگ در حوزه‌های مختلف علوم نشان می‌دهد که فرهنگ تمام ابعاد حیاتی انسان را در بر می‌گیرد. فرهنگ به مفهوم عام، روش زیستن و اندیشیدن است استنتاج ملتی در طی قرون متمادی از از زندگی است. مجموعه باورها، دانش‌ها، معارف و آداب و رسوم و ارزش‌هایی است که جامعه‌ای بر مبنای اعتقادات خود آن را تکامل بخشیده و براساس آن زندگی می‌کند. هر جامعه‌ای با هر سیستمی که اداره شود و هر نوع ایدئولوژی که بر آن حاکم باشد دارای اهداف و آرمان‌های خاص خود است. وظیفه اصلی فرهنگ، نمایش این ایده‌های ذهنی است به وسیله نمود اشکال عینی، در فرآیند این استحاله، معماری و شهرسازی نقشی اساسی بر عهده دارند. هر بنایی به عنوان جزئی از فرهنگ معماری این وظیفه را دارد که یک اندیشه ذهنی را از طریق فرم ظاهری خود عینیت ببخشد و به این ترتیب نمودی خواهد بود برای سنجش این فرهنگ. (گروتز، ۱۳۸۳: ۵۳) می‌توان در یک نگرش کلی فرهنگ را مجموعه قوانین و ارزش‌های زندگی اجتماعی (عرف‌ها و آداب و رسوم)، تاثیر اعتقادات (جهان‌بینی) و دستاوردها و تولیدات یک ملت (هویت تاریخی) نام برد. بدیهی است که تاثیر هر کدام از موارد یاد شده، در تنوع فرهنگ‌ها نقش اساسی دارد. با توجه به این تاثیرات، محصولات آن که انسان تولید می‌کند و برای رفع نیازهای خود اعم از نیازهای مادی، روحی و معنوی به کار می‌گیرد، تحت تاثیر فرهنگ است که با توجه به تنوع اعتقادات، بوم، قوانین زندگی اجتماعی و فردی و زمان شکل خاصی پیدا می‌کنند و در نهایت به عنوان یکی از ارکان تمدن حاصل از فرهنگ معرفی می‌گردد. چنین استنباط می‌شود که آورده انسان برای زندگی در یک مکان، جهان‌بینی است. با گذشت زمان زندگی جمعی در کنار دیگر انسان‌ها لزوم تدوین و تبیین مقررات زندگی جمعی را برای انسان ملحوظ می‌دارد. (نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۴)



شکل ۱: عوامل موثر در شکل‌گیری فرهنگ (نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۴)

انسان برای زندگی در یک مکان جغرافیایی برای زندگی همساز با اقلیم و در یک مکان اجتماعی برای افزایش مسالمت و همزیستی با دیگران با یک تفکر خاص منشعب از جهان‌بینی خود، تابع یک فرهنگ خاص می‌گردد. فارغ از آنکه جهان‌بینی مادی یا الهی باشد، فرهنگ التقاطی باشد یا بومی و قوانین زندگی اجتماعی عرفی باشد یا شرعی و یا نسبی باشد یا مطلق، آثار تمدن و بشریت، ثمره و حاصل آن است. در تعریف فرهنگ در متون اسلامی نیز چنین استنباط می‌شود که فرهنگ اسلامی حیات هدف‌داری را دنبال می‌کند که ابعاد زیبایی‌جویی، علم‌گرایی و منطق‌طلبی و آرمان‌خواهی انسان را به شدت به فعلیت رسانده و تمام ابعاد حیاتی انسان را شامل می‌شود. که شامل ادب، خصال، علم، اخلاق به مفهوم عمومی آن و محاسن امور می‌گردد. لذا از آنجا که جهان‌بینی فضای تفکر، فرهنگ فضای عمل و معماری، شهرسازی، ادبیات، علوم تمدن حاصل از آن است. ضرورت دارد تا همانند هر مکتب فلسفی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلام، برای تحقق فرهنگ اسلامی مورد ارزیابی قرار گیرد و ابعاد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی شامل رابطه انسان با خدا، جامعه، تاریخ و طبیعت بررسی شود. (نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۹۸-۹۸) مطابق شکل ۱ با توجه به رابطه‌ای که در ارتباط با فرهنگ ذکر شد، فرهنگ برآیند سه عامل اعتقاد یا همان جهان‌بینی (رابطه انسان با خدا)، شیوه زندگی یا همان قوانین زندگی اجتماعی (انسان و جامعه) و در نهایت تاریخ یا دستاوردها و تولیدات یک ملت (ارتباط با طبیعت، تاریخ و هویت) است. لذا فرهنگ یک تمدن در آثار هنری آن زمانی تحقق می‌یابد که نخست از اعتقاد دینی آن سرچشمه گرفته باشد، دوم اینکه شیوه زندگی اجتماعی را بازتاب کند و سوم آنکه با احترام به تاریخ و دستاوردها و تولیدات بومی خود به بیان خود بپردازد.

۲-۲- ارزش‌های دینی و شکل‌گیری فضاهای شهری

در فرهنگ دینی «حقایق باطنی وحی الهی» وجه مشترک همه عناصر تشکیل‌دهنده یک فرهنگ است و عامل وحدت، انسجام و هماهنگی اجزای آن به شمار می‌رود و در همه ابعاد معنوی آن فرهنگ، از ادبیات گرفته تا حکمت و عرفان و شعر و معماری تجلی و ظهور دارد. (اعوانی و همکاران، ۱۳۷۴: ۴۷) فرهنگ و تمدن هر سرزمین، عمیقاً از مذهب و اندیشه‌های معنوی آن، متأثر بوده و این تفکر همواره عینیت کالبدی خود را در معماری تجلی بخشیده است. مذهب تصویری مشخص از عالم هستی ارائه داده و سازندگان بناها سعی می‌نمودند، این تصویر را در ساختمان خود نشان دهند. (معماریان، ۱۳۸۴: ۳۶۸) عامل فرهنگی به ویژه اعتقادات مذهبی، اساس ایجاد زیستگاه‌های انسانی بوده است و در نظم‌دهی به سکونتگاه‌ها مذهب غالباً به شیوه‌ای نمادگراییانه عمل می‌کرده است. در فرهنگ اسلامی مسلمانان با جهان‌بینی اسلامی و اتصاف زیباترین صفت الهی (خلیفه اللهی) به خود، محیط زندگی خود را شکل داده است. از آنجا که مسلمان به عنوان عضوی از یک جامعه اسلامی وظایفی را منطبق با شرع و عرف اسلامی به عهده دارد، مسکن او، به عنوان عضوی از کالبد شهر اسلامی وظایفی را به عهده دارد که انعکاس طرز تفکر انسان مسلمان نسبت به موضوعات زندگی و جامعه می‌باشد. امر به معروف و نهی از منکر، عدالت، پرهیز از فساد، پرهیز از اسراف، هدایت، شکر، تواضع، حیا، تقوی، ذکر، عبودیت، معنادار بودن محیط برای انسان و بالاتر از همه اتکاء به توحید از اصول و ارزش‌های اعتقادی انسان در شکل‌دهی به محیط‌های انسانی در زمینه اسلامی، نام برده شده است. (تقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۵)

۲-۱- زیبایی‌شناسی و شهر اسلامی

دیدگاه‌های متعددی موضوع زیبایی را مورد بررسی قرار می‌دهند. موضوع قابل توجه در زیبایی بررسی تفاوت میان پدیده زیبا با احساس زیبایی از پدیده می‌باشد. ملاک‌ها و ارزش‌هایی که انسان در احساس زیبایی به صورت الگوهای ذهنی بررسی کرده و به اتصاف صفت زیبایی برای یک پدیده از طرف انسان مورد عمل قرار می‌گیرد، با الگوهای ساخت فرهنگی و جهان‌بینی ارتباط تنگاتنگی دارد. در فرهنگ اعتقادی با توجه به جامعیت و مانعیت دین در تمام ابعاد زندگی انسان و به لحاظ تعریفی که هر مکتبی از انسان و روابط او با دنیای پیرامون دارد، موضوع زیبایی با ارزش‌ها و الگوهای ذهنی ارتباط منسجمی پیدا می‌کند. اساساً با توجه به ارتباط انسان با زیبایی و ادراک زیبایی توسط انسان، این موضوع با توجه به ساحت‌های مختلف حیات انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر این اساس ادراک زیبایی ظاهری با حواس پنجگانه انسانی و ادراک زیبایی‌های عقلی در پرتو تفکر و کشف الگوهای نهان از طریق عقل انسانی و ادراک زیبایی باطنی با شهود و ضمیر روحانی و معنوی انسانی عامل مهمی در خلق زیبایی می‌باشد. (کرمی، ۱۳۹۰: ۸۸۵)

در میان متألهین و به ویژه در بین مسلمانان، اصالت و حقانیت با زیبایی الهی و معنوی است. زیبایی‌های ظاهری عموماً زینت نامیده می‌شوند. غزالی بر این اعتقاد است که عالم علوی حسن و جمال است و اصل حسن و جمال تناسب است و هر چه متناسب است. نمودگاری است از جمال آن عالم، چه هر جمال و حسن و تناسب که در این عالم محسوس است، همه ثمره جمال و حسن آن عالم است. مطالعه آثار عرفای مسلمان حکایت از آن دارد که زیبایی خالق عشق است و عشق ثمره تماس با زیبایی و عشق باید هادی انسان به کمال باشد، که اگر چنین نشد نه آن عشق، عشق است و نه آن زیبایی، زیبایی است، بلکه هر دو، مجازی و

اوهامی از عشق و زیبایی‌اند. بر این اساس زیبایی با عشق ارتباطی بنیادین و غیرقابل برگشت دارند. به این معنی که اگر چه که مراتب مختلف زیبایی با موضوعاتی همچون هنر، نیکی، تعادل، تناسب، لذت و امثالهم همراه و حتی گاهی مترادف فرض می‌شود، اما عالیت‌ترین مرتبه زیبایی، مرتبه‌ای است که با عشق همراه باشد. (سلسله و سلسله، ۱۳۸۸: ۵۴) تجلی همه صفات شهر اسلامی (از دیدگاه تعالیم اسلام) در درون و سیمای شهر، چهره‌ای از آرمانشهر اسلامی را در ذهن تجلی می‌دهد. شهری که صاحب این حد از ارزش‌ها است شاید تا کنون در هیچ دوره تاریخی به حقیقت در نیامده است. اما با کنکاش در شهرهای سنتی می‌توان در صد بالایی از آن‌ها را که ریشه در تفکرات معنوی و آسمانی سازندگانشان دارد، شناسایی نموده و از آنها عبرت گرفت. (رفیقدوست و شهپایان، ۱۳۸۷: ۱۵۸) بر این اساس ادراک وحدت، تجرد، حیات، رنگ، حس مکان، ارتباط با تاریخ، دستیابی به کمال مطلوب، ارضای نیازها، کرامت انسانی، ارزش‌ها، تازگی و طراوت، هدایت انسان، بکارگیری طبیعت، معنای نهفته در نمادها و نشانه‌ها و... از عوامل مهم در ادراک زیبایی شهر می‌باشد. (کرمی به نقل از نقی‌زاده و نقره‌کار، ۱۳۹۰: ۸۸۵) به عبارتی هر یک از صفات شهر اسلامی و پیش نیازهای تجلی آن‌ها در شهر اسلامی، جلوه‌ای از زیبایی هستند و از سوی دیگر، شهری می‌تواند صفت زیبایی بر اساس اصول توحیدی در درون و کالبد خود داشته باشد که تمامی صفات شهر اسلامی در آن تجلی یافته باشد. (رفیقدوست و شهپایان، ۱۳۸۷: ۱۵۸)

۲-۲-۲- بسط مکارم اخلاقی در فضای شهری

کشف معنای نهفته در محیط طی فرآیند دو مرحله‌ای، الهام (واکنش تقریباً آنی نسبت به شکلها و الگوهای محیط در ذهن) و شناختی ادراکی (رمزگشایی از اشارات محیطی) ارزیابی می‌شود. لذا محیط می‌تواند از طریق روابط میان اجزاء، در ذهن انسان تأثیر گذاشته و مفاهیمی را به انسان منتقل کند. با توجه به این رابطه، آموزش و هدایت انسان از طریق شهر و معماری زمانی تحقق می‌یابد که، معمار دارای صفات حسن الهی بوده و در آفرینش هنری خود به اعجاز توحید حسن‌ها در فرآیند هنری موفق شده و فضا معراج خود آگاهی انسان و فضای سیر و صورت متعالی، فضای تفکر و تامل و توجه و ذکر و حضور و زیارت، حضرت حق باشد نه فضای لهو و لعب و از خود بیگانگی. (نقی‌زاده به نقل از نقره‌کار، ۱۳۸۹: ۶۶) با اتکا به مفهوم «شکر» (به کار بردن نعمت در مسیری که برای آن خلق شده است) آشنایی نامناسب به ویژگی‌های مصالح، و به کار بردن نامناسب آنها در نماهای شهری، بی‌دقتی در ترکیب و به کار بردن مصالح در نما، عدم استفاده حداکثر از ظرفیت یک ماده چه به لحاظ استحکام و چه به لحاظ فرم‌پذیری، از اسراف در به کارگیری مواد و مصالح و آراستن نما برای جلب توجه مردم در جهت خودنمایی و تفاخر صاحبان عمارت اسراف و کفران نعمت است. استفاده مصالح تحت تأثیر ویژگی‌های محیطی و باورها اعتقادات و آداب و رسوم محل بوم‌آورد بودن مصالح، ایجاد تنوع با ترکیب‌بندی‌های متفاوت از همان مصالح، اخلاص معماران و صاحبان عمارات در هنرشان (معماری یک وظیفه احساس می‌شده نه وسیله‌ای برای معرفیت)، زندگی معمار در بطن جامعه و احترام به سنت، از دلایل بارز این اتفاق به نظر می‌آیند. (همان: ۶۵) بنابراین فضاهای شهری چه از طریق اشکال و فرمها و چه از طریق تزئینات به کار رفته و چه از طریق خط نوشته‌ها می‌تواند به آموزش انسان بپردازد. از این مفاهیم می‌توان به احساس وحدت، مشارکت، هدفدار بودن، تزئینات، گره‌های هندسی و ذکر آیات الهی در کاشی‌های الوان اشاره کرد. تکرار طاق نماها و ارکان عمودی و افقی نماها در هماهنگی با یکدیگر و در حرکت دادن انسان از معابر، از طریق احساس و ادراک بصری به فضای اصلی شهر یا جایگاه مسجد و پرهیز از ایجاد نماهایی برای جلب توجه انسان در مسیر، هدایت انسان را موجب می‌شده است که صورتی انتزاع یافته از هدایت معنوی است. سادگی و هماهنگی نماهای عمارات با دیگر نماها (توجه به بنای معماری، به عنوان عضوی از زنجیره نماهای شهری و معنا یافتن در کنار بناهای دیگر) و تفوق مسجد در سیمای کالبدی شهر (پرهیز از ستایش غیر حق)، نمود کاملی در ادراک عدل، عبودیت انسان، تواضع، دستیابی به اصل برابری و استحاله با تعریف «توحید» از طریق تحقق اصل «توحید» به «وحدت» واژه مسجد به عنوان مرکزیت الهی شهر در مجموعه‌ای وحدت یافته از بناها بوده است. (همان)

۲-۳- ارزش‌های اجتماعی اسلام و فضاهای شهری

رفتارهای فردی و اجتماعی مسلمانان همواره متأثر از آموزه‌های دینی آنان است. این رفتارها در مناسبات اجتماعی ساکنان شهرها نیز تظاهر می‌یابند. گرچه نوع این تأثیرها و میزان آن در همه شهرها یکسان نیست، ولی ردیابی آنها برای شناخت مشابهت‌ها و تعریف برخی الگوهای رفتاری خاص برای ساکنان شهرهای اسلامی امکان‌پذیر است. همبستگی‌های قومی و خانوادگی که ریشه در تأکیدهای شرع اسلامی بر صلح‌رحم دارد، موجب اولویت دادن به خون و نسب در همکاری‌های اجتماعی در شهرهای اسلامی شد. تأکیدهای دین اسلام بر حفظ حجاب و تکلیف آن برای مردان و زنان نیز در شهرهای اسلامی موجب تفاوت‌هایی در فعالیت‌های عمومی زنان و مردان و حضور آنها در فضاهای عمومی شهری شده است. جدایی‌گزینی عرصه فعالیت زنان و مردان در شهرها نتیجه این مقررات دینی اسلامی است. فضاهای عمومی در شهرهای اسلامی برخلاف سایر شهرهای غیر اسلامی

شامل مساجد و مکانهای دینی است که میزبان حضور عمومی ساکنان شهرهاست. اعتقادهای دینی درباره حکمروایان و پذیرش آنها توسط مردم هرچند اغلب مصداق آیات و روایات نبوده‌اند، ولی زمینه اعتماد عمومی به حاکمان و کاهش اهمیت تشکیل صنوف در شهرهای اسلامی را فراهم آورده است. گرچه در شهرهایی نظیر اصفهان نیز اصنافی شکل گرفته و فعالیت داشتند، ولی با توجه به تفاوت مبانی رفتاری مسلمانان و پیروان سایر ادیان یا جوامع بی‌دین، انتظار همانندی اشکال تأثیرگذاری دین بر شهرها یا مقایسه شهرهای اسلامی با غیر آن نمی‌تواند صحیح باشد. (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹: ۱۰) دین مبین اسلام، با معرفی انسان به عنوان خلیفه الله، زمین را به عنوان محملی جهت انتقال انسان به جهان ابدیت معرفی می‌کند. انسان مسلمان بنا بر خصلت خلیفه الهی از طرف دیگر با توجه به تعریف شدن خداوند به عنوان محور اعمال انسانی و تعریف شدن انسان به عنوان اشرف مخلوقات شایسته احترام بوده و تمام جهان در اختیار او می‌باشد. این تعریف با تعریف مدرنیته از چهره ویرانگر انسانی (فاوست گوته) جهت دستیابی به اعمال و آمال مادی در تضاد است. دین اسلام با تشویق مسلمین به زندگی اجتماعی حقوق زندگی اجتماعی را از حقوق فردی، حقوق همسایگی، حقوق شهروندی تا حقوق اجتماعی تبیین مشارکت، «لاضرار» کرده است. در این خصوص می‌توان به قاعده تعاون، همکاری، برابری، احترام به حقوق خانوادگی، احترام به حقوق همسایگی، امنیت و ایمنی اشاره کرد. (نقی زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۹) از اینرو فضاهای شهری به عنوان وسیله ارتباطات اجتماعی در شهر، عامل انتقال اطلاعات ارزش‌ها و احساسات به مردم و نمایش شیوه زندگی اجتماعی ساکنان یک شهر و طرز تفکر به زندگی اجتماعی باشد و میزان همدلی و سطح طبقاتی و همفکری دو همسایه، از نمای منازل آنها قابل بررسی است. به صورت اجمالی می‌توان شرایط اجتماعی شهر اسلامی زیر را در شهرهای اسلامی برشمرد:

- ۱- امن بودن شهر و بهره‌مند بودن شهروندان از ثمرات اجتماعی گوناگون موجود در شهر
- ۲- شهر اسلامی دارای روح اجتماعی است که حاصل اسکان فرد مسلمان در خود است.
- ۳- ساختار اجتماعی شهر اسلامی باید دو عنصر امنیت اجتماعی و امنیت اقتصادی (فقدان فاصله طبقاتی) را در برداشته باشد.
- ۴- شهر اسلامی کانون عبادت و مرکز نشر و توحید اسلامی و نشانه‌ای از یک اجتماع کامل است.
- ۵- شهر اسلامی دارای نظم، هدف و زیبایی است. (فرجام و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۸)

۲-۳-۱- رعایت تناسبات انسانی و امنیت شهر اسلامی

نکته قابل توجه در رعایت مقیاس انسانی، توجه به ساختار کالبدی بنا از مقیاس کلان تا خرد می‌باشد. با نزدیک شدن به بنا، جزئیات بیشتری در دید انسان جلوه می‌یافته است. از جمله این اطلاعات مکان ورودی و فضاهای شاخص بنا می‌باشد. با نزدیک شدن هر چه بیشتر به بنا، جزئیات بنا در هم اندازه با حضور انسان تغییر می‌یابد «فراکتال» شباهت به اشکال تا در نهایت با مقیاس انسانی مطابقت پیدا می‌کند. حتی نوع مصالح و بافت آنها همزمان با نزدیک شدن به بنا از مقیاس شهری تا فواصل نزدیک بنا با یک تناسب معین و مشخص انسانی به دیده می‌آیند. با نزدیک شدن به بنا، وابسته به فاصله انسان، طاق‌های کوچکتر دیگری در داخل طاق بزرگتر دیده می‌شود. استفاده از ارزش‌های رنگی تک رنگ (تعدد ترکیب‌های رنگی به کار رفته در گنبد مساجد و ترکیب سنگ و آجر با رنگ‌های مشابه) و به کار بردن بافت در مصالح (تنوع آجرکاری، کنده کاری روی چوب و تنوع سنگ کاری)، جهت احترام به مقیاس انسانی و حضور انسان با نزدیک شدن به بنا بوده است. این موضوع باعث می‌شود است تا با حفظ آزادی‌های فردی، هویت جمعی نیز حفظ گردد. نمای عمارات با شباهت زیادی که در وهله نخست به نظر می‌رسیدند، با نزدیک شدن هر چه بیشتر انسان، نشانه‌های رنگ‌تعلق ساکنان با به کار بردن بافت‌های متنوع در به کار بردن مصالح، استفاده از ارزش‌های رنگی یکسان مانند ترکیب کاشی‌هایی با رنگهای مشابه (از لاجوردی کم رنگ تا پر رنگ)، تغییر نوع آجرکاری، استفاده از مصالح متنوع با حفظ شباهت‌های رنگی (به کار بردن سنگ در سردر ورودی درزمینه آجر) جلوه می‌یافته است. برای حفظ تناسبات انسانی، عمارات با حفظ تناسب کوچه و رعایت مقیاس انسانی با ایجاد حیات مرکزی برای حل مشکلات اقلیمی هم در درون حیات به تناسب فضایی دست می‌یافتند و هم امکان توسعه طبقاتی را داشتند و از طرف دیگر در تناسب فضایی کوچه و دادن مقیاس انسانی به آن با حفظ تناسب فضایی عمارت در حیات مرکزی، نقش بازی می‌کردند. که در احساس امنیت انسان سهم بسزایی داشته است. (نقی زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۰) نظارت ساکنان به فضای شهری، پرهیز از ایجاد شرایطی برای آزار و اذیت انسان در به کار بردن فرمها، رنگها و عناصر نما و دقت در به کارگیری عوامل پایداری بصری و سازه‌ای مصالح و فرم‌ها از عوامل موثر در احساس امنیت در نماهای شهری بوده است. مثال بارز موضوع یاد شده در معماری معاصر بی‌توجهی در به کار بردن نماهای شیشه‌ای است که در دهه‌های اخیر که از کشورهای اروپایی به اقتباس گرفته شده است و با ایجاد بازتاب‌های شدید آفتاب اثراتی منفی برای حضور انسان دارد. علاوه بر آن در به کار بردن مصالح در نماهای شهری توجه به مسایل مقابله در شرایط بحران نیز ضروری است. به عنوان مثال نماهای یک دست شیشه‌ای اگر به طرز مناسب مهاربندی نشوند در کوچک‌ترین تکان‌ها احساس خطر برای شهروندان خواهد داشت. در این مورد ارتفاع و شیوه قرارگیری بازشوها در جهت ایجاد دید به معابر و نورپردازی نما، قابل

توجه است. تحولات اجتماعی منشأ تحولات طبیعی است. اگر تحولات اجتماعی بر محور قوانین الهی و فطرت انسانی شکل بگیرد، تحولات طبیعی هم به سمت امنیت، آسایش، فراوانی نزولات طبیعی، توسعه و تکامل خواهد بود. شکل‌گیری تحولات اجتماعی بر خالف قوانین الهی و فطرت انسانی، موجبات هدایت تحولات طبیعی به سمت نزول بلایا را فراهم خواهد آورد. بنابراین هرگونه ناامنی حاکم بر زندگی انسان اعم از کالبدی و اجتماعی، نتیجه ناهنجاری‌های اجتماعی، درکی سلسله فرایند غیرالهی و هرگونه بهبود و ارتقای کیفیت زندگی، نتیجه نظم بخشی به هنجارهای اجتماعی از طریق آموزش و قانون بر محور قوانین الهی است. (صارمی، ۱۳۸۹: ۵۷)

۲-۳-۲- حجاب، پوشش و امر به معروف و نهی از منکر

جوامع اسلامی همگی دارای احساس عمیق پوشیدگی و خلوت شخصی هستند که در معماری سنتی آنان بازتاب می‌یابد به نحوی که خانه‌ها، چهره‌های اندرونی و باطنی دارند. بنابراین معماری درون‌زای شهری در هر کشوری بازتابی از مفهوم مکان در ذهن انسان‌های آن کشور، اشکال زندگی اجتماعی و سازمان اجتماعی آن است. (منصوری، ۱۳۸۹: ۴۶) ضمن تاکید دین اسلام بر خصلت پوشیدگی و محفوظیت زندگی، خانه‌ها تقریباً همواره در یک سطح بوده و شهر شامل مجموعه‌ای از خانه‌ها می‌شد که نمای بیرونی آنها، شکل فضای داخلی یا اهمیت آن را نشان می‌داد. تقسیم خانه به بخشهای بیرونی و اندرونی، تعبیه دو نوع کوبه بر در خانه برای تمایز بین میهمان زن و مرد و استفاده از شیشه‌های ریز و رنگی یا مشجر، از جمله شیوه‌های به کار رفته در شهرهای اسلامی است. به سبب اطمینان از محصوریت زندگی خانوادگی و تحقق بخشیدن به مفهومی مذهبی از زندگی، خانه عموماً جنبه خصوصی و درونگرا دارد و ساختار خانه مبین احکام جامعی از جهان و از جایگاه انسان در این جهان است. به اعتقاد موریس هدف از ساخت خانه حیاطدار حفظ محرمت عرصه خصوصی، به هر شکل ممکن بوده است. (نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۰)

اصولاً در ساماندهی اندام‌های گوناگون ساختمان، بویژه ساختمان‌های سنتی، باورهای مردم بسیار کارساز بوده. یکی از این باورها ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و نیز عزت نفس ایرانیان بوده که این امر به گونه‌ای معماری ایران را درونگرا ساخته است. این موضوع درونگرایی از گذشته‌های بسیار دور و از پایه‌گذاری ایران در این مرز و بوم وجود داشته است. برخی گمان کرده‌اند که آئین پاک اسلام با گریز و پرهیزی که به همراه داشته مردم مسلمان ایران را درونگرا کرده است، اما کاخهای تخت جمشید و کوشک‌های زمان ساسانیان گواهی می‌دهند که ایرانی همیشه درونگرا بوده است و می‌خواستند که چون شب، در خانه، با خانگیان خود، دور از نگاه بیگانه، آرام بیاسایند. (منصوری به نقل از پیرنیا، ۱۳۸۹: ۴۵) بنابراین درونگرایی تنها یک ضرورت اقلیمی نبوده است بلکه هم حیا بوده است و هم حجاب که هم زیبایی‌هایش را برای محرمان خویش عیان می‌کرده است و هم حیایی بوده است برای اجتناب از عریان داشته‌های خویش برای دیگران. از اینرو نمای شهری نیز، با تاکید بر محرمت فضاها، حریمی میان ساکنان بنا و شهر ایجاد می‌کرد. بی‌توجهی به این موضوع را می‌توان در عدم کنترل مشرفیت نماها، از بین رفتن محرمت و عدم مطابقت عناصر نماها با فرهنگ بومی جستجو کرد. نماهای شهری باید به گونه‌ای طراحی شوند که باعث تجاوز به زندگی شخصی دیگران نشوند و در این مورد ارتباط بصری با دیگر حریم‌ها در روابط همسایگی از لحاظ عرفی باید رعایت شود. از جمله اصول و ضوابطی که در شهرسازی اسلامی رعایت می‌شده می‌توان از موارد زیر نام برد:

- ۱- اصل محرمت و پوشیدگی است که بر مبنای این اصل به مهندسان و شهرسازان اسلامی گوشزد می‌کند که بناها و مساکن در شهر اسلامی باید به طریقی بنا شود که ضمن بهره‌مندی از فضاها، پوشیدگی و حجاب زندگی فردی و خصوصی تبیین شود؛
- ۲- اصل حرمت ساخت بناهای مرتفع بر این اساس بلند مرتبه‌سازی در شهر اسلامی نباید حریم خصوصی افراد را از بین ببرد. (منصوری، ۱۳۸۹: ۴۶)

۲-۳-۳- مشارکت عمومی و فعالیت‌های جمعی در فضای شهری

هر چه قدر منزلت اجتماعی شهر در نظر ساکنان اهمیت داشته و هر چه ساکنان خود را به عنوان عضوی از خانواده شهر بدانند، تمایل به هماهنگی و احترام به فضای شهری در کردار آنها تقویت شده و شهری یکپارچه و هماهنگ به وجود می‌آید. نظارت و کنترل کامل بر طراحی فضاها، شهری متنوع که منشأ هویت خاص بسیاری از شهرهای تاریخی است امروز کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در چنین جوامعی اهمیت زندگی اجتماعی و ساختن فضایی مناسب برای آن در اولویت بوده است. هماهنگی در نماهای شهری از نتایج روش مذکور بوده است. ناهماهنگی و عدم تجانس هر بنا با بناهای دیگر در شهرسازی معاصر، دلیلی بر فردگرایی سازندگان است. (نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۰) امروزه بی‌تفاوتی به شهر به عنوان نماد زندگی کنار دیگر بناها به حدی از اهمیت موضوع شهر و شهرنشینی کاسته است که به نظر می‌رسد روش قدیمی ساختن نما همزمان با خود خیابان و سپس ساختن

بقیه بنا در پشت آن توسط صاحبان هر یک از بناها امروز دیگر کاربردی ندارد. این شهرها جلوه‌گر رابطه‌ای پخته و جا افتاده بین فضا و جامعه بودند که آنرا در جامعه متحول کنونی ایران نمی‌توان یافت شاید مهمترین دلیل آن گسستگی بین فضا و جامعه باشد. تمایل به ساخت با شکوه بناهای عمومی در برابر بناهای خصوصی و توجه ویژه به نقاط تلاقی شهری، همچون درگاه خانه‌ها، سرگذرها، ورودی مساجد، مدارس، حمام‌ها، میدان‌ها و دروازه شهرها، موجب شکل‌گیری شهری با لولاهای کابردی و اجتماعی قوی در جهت ترغیب شهروندان را به مراودات اجتماعی، گشاده دستی و مهمان نوازی، تشویق شهروندان به خوشحویی و روی خوش نشان دادن به بیگانگان می‌شده است. در این شهرها جداره شهری با تبدیل شدن به صفا و ایجاد محلی برای نشستن، مکانی را برای مصاحبات اجتماعی فراهم می‌کردند. ایجاد سکوهایی در ورودی بناهای مسکونی نشانه‌ای از احترام به سنت مهمان نوازی و در فرهنگ ایرانی بوده است. پرهیز از مشرفیت به درون خانه دیگران و حتی به پرهیز از سد تابش نور و جریان باد به خانه همسایگان، احترام به حقوق همسایگان بوده است. به نظر می‌رسد، برای جلوگیری از ورود به حوزه زندگی دیگران، موضوعات اشرف و حریم شهر به گونه‌ای رعایت می‌شده است که گاه در جهت‌گیری بناها و ایجاد عمق در نماها نقش عمده‌ای داشته است.

۲-۳-۴- عدالت در فضاهای شهری اسلامی

شناخت رهنمودها و اصول بنیادی اسلامی در شهرسازی اسلامی می‌تواند راهکاری برای طراحی فضاهای مختلف در شهرسازی امروز می‌باشد. عدل یکی از جلوه‌های خداوند و یکی از مظاهر زیبایی است لذا بحث عدالت در کنار بحث هنر و زیبایی‌شناسی عنصری لاینفک است. منابع اصلی فقه یعنی قرآن و سنت برای تحویل سیستم ارزشی به فرم شهری و طراحی بسیار تاکید کننده می‌باشد. (زینالزاده و ارجمندی، ۱۳۹۰: ۶۱۲) عدل اصلی است که تنها به بعد قضایی یا بعد اجتماعی منحصر نشده و می‌تواند در همه ابعاد زندگی و افعال انسان تجلی یافته و مصداق داشته باشد. رعایت اصل عدالت به عنوان اصل اساسی در ایجاد مجموعه‌های کارآ و زیبا مدنظر بسیار کسانی است که در مقوله هنر و معماری اسلامی تحقیق و تفحص کرده‌اند. رعایت عدل در ایجاد یک مجموعه عبارت است از انتخاب مکان و واگذاری نقشی خاص به هر عضو مجموعه شهر، ساختمان یا هر اثر انسانی به گونه‌ای که بهتر از آن ممکن نباشد. آنگاه اهمیت این اصل در برنامه‌ریزی و طراحی مشخص می‌شود. نقش عدل در ایجاد شهر مناسب زیستن مسلمین و تداوم حیات آن، نقشی بسیار حساس و حیاتی است، رعایت عدل نافی ایجاد قطب‌های شهری بر مبنای درآمد و ثروت مردم و معیارهای مادی است. توزیع عادلانه امکانات شهری و فراهم‌آوردن امکان دسترسی متعادل ساکنین به آنها مورد مهم دیگری است که مدعی داشتن آن نشانه تجلی عدل در شهر است، استعداد و مکانیابی مناسب هر عنصر و فضای شهر و ارتباط منطقی و مناسب آنها با یکدیگر نیز موضوعی است که ریشه در رعایت عدل دارد. (همان به نقل از نقی‌زاده: ۶۲۰)

عدالت یکی از عوامل مهم در تشکیل یک شهر اسلامی است. شهر اسلامی با حضور شهروندانی عدالت‌مدار و دارای روابطی عادلانه در شهری با کابردی عدالت بنیان متجلی می‌شود. حاصل کنش متقابل میان این کالبد و این مردم نیز، احساس عدالت بیشتر و در نتیجه رضایت نسبی جامعه از وضع موجود و کوشش برای رسیدن به وضع مطلوب خواهد بود. بنابراین برقراری عدالت در شهر اسلامی تابع: ۱- برقراری عدالت در کالبد شهر، ۲- برخورداری عادلانه‌ی شهروندان از امکانات شهر، ۳- برقراری عدالت در اندیشه و رفتار شهروندان با خودشان و ۴- برقراری عدالت در رفتار شهروندان با کالبد شهر خواهد بود. (منجری و رفیعی، ۱۳۹۰: ۶۶۲) ملحوظ داشتن اصل عدالت در همه‌ی طرح‌ها و برنامه‌های شهری یکی از بارزترین زمینه‌های ایجاد وحدت و هویت در شهر اسلامی است. در واقع از همه بالاتر و مهم‌تر سعی در تجلی بخشیدن به همه زمینه‌ها و معشوق عدالت در کلیه سطوح و امور شهر می‌باشد و این موردی است که مهجور و مغفول مانده است. اصل عدالت را اجمالا در بسیاری مقولات می‌توان جستجو نمود که یکی از بارزترین آنها پیشگیری از بروز تبعیض و قطب بندی‌های اجتماعی و کابردی و خدماتی در شهر است و این موضوع یعنی وجود انواع قطب بندی‌های شهری مشکلی است که نه تنها در گذشته وجود داشته که هم اینک نیز به انحاء مختلف به آن دامن زده می‌شود.

۲-۴- هویت اسلامی ایرانی و فضاهای شهری

برای شهر و محیط زندگی انسان نیز، همانند هر اثر انسانی دیگر، می‌توان هویتی قائل شد، که این هویت ضمن آن که منبعث از تفکر و هویت انسانی است، مقوم آن نیز می‌باشد. هویت تاریخی، هویت فرهنگی، هویت عملکردی، هویت کابردی، هویت طبیعی، هویت دینی، هویت انسانی. با توجه به جمیع جهات مربوط به انواع و مراتب هویت، عوامل و عناصر متنوعی را میتوان به عنوان نشانه‌های هویتی یک شهر یا عنصر معماری نام برد: مؤلفه‌های هویتی شهر در دو گروه اصلی شکل و محتوا قابل طبقه‌بندی هستند، که البته نامگذاری‌های دیگری از جمله: ظاهر و باطن، پیدا و پنهان، کابردی و معنایی، عینی و ذهنی را می‌توان برای این دو گروه برگزید. در گروه اول (بازره‌های شکلی) می‌توان از نشانه، اندازه، تعداد، جمعیت، تمیزی، آلودگی، عملکرد، شلوغی و مانند آن نام برد. در گروه دوم (بازره‌های محتوایی) موضوعاتی چون نمادها، معنی، تاریخ، فرهنگ مردم، عملکرد، رفتار، زیبایی،

پاکی و... قابل ذکر هستند. (سلسله و سلسله به نقل از نقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۶) شدت تبلیغات کشورهای پیشرفته در کشورهای جهان سوم، یاس و ناامیدی نسبت به فرهنگ خودی، فرهنگ خودی را عامل بدبختی و عقب‌ماندگی دانستن، مصرف‌کننده‌های خوب بودن برای محصولات کشورهای پیشرفته، شروع مصرف‌گرایی فرهنگی، بی‌توجهی به ارزش‌های بومی، کاهش مصرف تولیدات فرهنگ خودی، کاهش تولیدات بومی و ضعف بازارهای داخلی آغاز وابستگی فرهنگی و اقتصادی است. موضوعی که امروز در معماری و شهرسازی ایران مشاهده می‌شود، شباهت به بیگانگان و ملل دیگر است. بسترهای فرهنگی نامناسب در تربیت متخصصان، قشری‌نگری و برداشت‌های سطحی از دستاوردهای ملل دیگر بدون توجه به بومی کردن آنها، بی‌توجهی متخصصان به اصول کیفی و ارزشی و توجه به کمیت‌گرایی، نگرش ساخت و ساز بیشتر دلیل بر موفقیت در حرفه معماری و بی‌توجهی قوانین و ضوابط معماری و شهرسازی به ابعاد فرهنگی، نگرش به موضوع نو بودن به معنای مدپرستی و برداشت نادرست از سنت، خلق آثار مردم‌پسند به جای خلق آثار مهم برای مردم، به کارگیری مصالح بدون توجه به موضوعات اقلیمی و افزایش مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر و به کارگیری مصالح ناپایدار و غیر قابل بازگشت به چرخه طبیعت (بتن و آلومینیوم) باعث شکل‌گیری فضایی با هویت بیگانه و مغشوش شده است.

از سوی دیگر رواج سلطه روحیه سوداگری و سیطره تفکر و روش مادی‌گرایانه مأخوذ از بیگانه بر بسیاری از فعالیت‌های شهری نکته قابل ذکر آن است که اصولاً هویت یک پدیده امری انتزاعی و منفک از سایر موضوعات مرتبط با آن پدیده نیست، مثلاً هویت شهر، با همه موضوعات مرتبط با شهر و با موضوعات عدیده‌ای از جمله: با اهل شهر، با باورها و اعتقاداتشان، با شیوه زیست مردم، با نوع ارتباطاتشان با سایر جوامع، با آرمان‌ها و الگوهای زندگی‌شان، با رفتار و فرهنگشان، با نوع فکر و جهان‌بینی‌شان و با بسیاری موضوعات دیگر مرتبط و غیرقابل تفکیک است. به این ترتیب، مردم نمی‌توانند به شیوه‌ای زندگی کنند و توقع داشته باشند شهر و متعلقاتشان هویتی متمایز با هویت آن شیوه زیست یا هویتی متمایز با هویت فضایی که برای آن شیوه زیست مناسب است را داشته باشند. طراحان و برنامه‌ریزان و مدیران شهر نیز نمی‌توانند بر پایه مبانی نظری بیگانه، طرح و برنامه تهیه کنند و به شیوه بیگانه خط مشی تعیین کنند و مردم را به آن شیوه فراخوانند و در عین حال توقع داشته باشند که شهر هویت زیبایی ایرانی و اسلامی داشته باشد. وقتی قرار باشد که به شیوه بیگانگان زیست شود، وقتی که سوداگری بر بسیاری از فعالیتها حاکم باشد. وقتی معیارها و الگوهای اصلی، ظرف تمدن بیگانه باشد، وقتی تفاخر و نمایش خود، در آثار انسانی رواج یابد، وقتی مد و مصرف و اسراف جای قناعت و میانه‌روی و تعادل را بگیرند، هنگامی که تمرکز اصلی بر جنبه مادی حیات قرار گیرد، آنگاه نمی‌توان انتظار داشت که فضا و کالبد حاصل چیزی جز پاسخگویی به این رفتارها باشد. (سلسله و سلسله، ۱۳۸۸: ۵۷) در چنین شرایطی بنا، حیثیت تاریخی، فرهنگی خود را واگذاشته و در گردابی از گرایش‌های جهانی (مدرن، پست مدرن، دیکانستراکشن) و سلیقه‌های شخصی و رقابت‌های بازاری گرفتار می‌آید. بدیهی است که کنکاش‌ها و پاسخ‌های امروزی معماری مغرب زمین نمی‌تواند پاسخی مناسب به شرایط پدید آمده از بستر فرهنگی اجتماعی باشد. (نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۲) در این رابطه ارتباط سازنده با طبیعت به جای رابطه مخرب، تکمیل طبیعت، تلاش برای پیشرفت، عزت، استقلال و بالاتر از همه پرهیز از شبیه شدن به بیگانگان را می‌توان از عوامل موثر در حفظ ارزش‌های تاریخی، هویتی و بومی در شکل‌دهی به محیط نام برد. استقلال از طریق به کار بردن مصالح محلی، به کارگیری سنت در طراحی در جهت رفع مشکلات (به جای نگرش مدرن که هرچیز ماقبل خود را تخریب می‌کند در سنت هرچیزی ماقبل خود را تکمیل می‌کند) احترام به داشته‌های خود، بومی کردن دستاوردهای ملل دیگر، استفاده از تولیدات داخلی، خلاقیت در به کار بردن فرمها و مصالح بومی، احترام به محیط زیست و انطباق با شرایط جغرافیایی در نماهای شهر ایرانی نمود این موضوع است.

دستیابی به مکانی با هویت اسلامی نیازمند مطالعه فرهنگ اسلامی و شناخت انسان مسلمان است. بدیهی است که نمی‌توان با تفکر و نگرش و شیوه برخورد مدرنیته، مکان اسلامی به وجود آورد. تحقق شهر اسلامی مبانی نظری نیاز دارد که منطبق با نیاز مسلمین و فرهنگ و اعتقادات آنها باشد. دستیابی به هویت چنانکه صد سال طول کشیده است تا بی‌هویتی ریشه در تاریخ معاصر بیاندازد، به یکباره تحقق نمی‌یابد. دستیابی به هویت نیازمند فرآیندی همه‌جانبه‌فارغ از نگرشی یک‌بعدی می‌باشد. هم شهر با معنی نیاز دارد هم شهر منطبق با فرهنگ ساکنان، هم به ریشه‌های تاریخی نیاز دارد، هم به نشانه‌های اسلامی. همچنین تا زمانی که موضوع خلق مکان با هویت اسلامی نهادینه نشده و از اجبار قانونی به عرف عمومی بدل نشود هرگز شهر سرمایه یا شهر کالای معاصر به شهر اسلامی بدل نخواهد شد.

۳- یافته‌ها

معماری و شهرسازی هویت یک جامعه را به نمایش می‌گذارند. شهر باید بتواند وحدت جامعه را تقویت کند؛ و بسیاری باید‌های دیگر به عنوان ویژگی‌های شهر و معماری و ابتکاراتی که از آنها می‌رود قابل فهرست کردن هستند. امروزه، شهرهای مسلمانان در بسیاری موارد مروج جملگی اعداد این ارزش‌ها هستند. تأملی اجمالی، محقق را مطمئن می‌سازد که اصلی‌ترین عامل بروز چنین

وضعیتی مبانی نظری طراحی و ساخت این محیط‌ها هستند؛ و در یک جمله می‌توان گفت که: شهرها و عمارات مسلمین تقلید و تکرار ناقص الگوهای بیگانه و غربی هستند که از جهان‌بینی حاکم بر مغرب زمین معاصر نشأت گرفته‌اند، که این جهان‌بینی با اصول و ارزش‌های منبعث از جهان‌بینی اسلامی در بسیاری موضوعات و زمینه‌ها در تضاد و تناقض می‌باشد.

همان‌طور که برای ظهور هر شهری با ویژگی‌های منبعث و متکی بر باورها و اصول و ارزش‌های خاص، سه عامل اصلی (انسان، روابط و کالبد) دخالت دارند، در شکل‌گیری شهر اصیل اسلامی نیز همین سه عامل (با ویژگی‌های مخصوص خود) باید مورد توجه قرار گیرند. (نقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۵) شهرسازی اسلامی، مشتمل بر مبانی نظری و تئوری‌های مربوط به اصول و ارزش‌هایی است که باید در طراحی و برنامه‌ریزی و ایجاد محیط زندگی مسلمانان رعایت شوند و بر روابط انسان با محیط (طبیعی و مصنوع) و با سایر هم‌نوعان خویش (جامعه) حاکم باشند. این اصول و ارزش‌ها از تعالیم اسلامی استخراج خواهند شد و در بردارنده عوامل مهم فرهنگ ملی که با آن‌ها در تضاد و تناقض نباشند نیز هستند. اجمالا باید گفت که منبع اصلی اصول حاکم بر کلیه اعمال مسلمانان و از جمله شهرسازی آنها قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) هستند. در این متون براساس یک سری زمینه‌ها و موضوعات کلی، اصولی برای فعالیت و زندگی انسان قابل استخراج هستند. به‌طور نمونه، برخی از این زمینه‌ها و موضوعات کلی عبارت از نقش انسان در زمین، ارتباط اجزا و عناصر جهان هستی، هدف‌گایی حیات انسان، ارتباط انسان با عالم وجود، و جهان‌بینی انسان است. اما مهمتر این‌که این اصول باید با اصول حاکم بر عالم وجود که توسط خداوند بنا نهاده شده‌اند هماهنگ و یا تفسیری از آن‌ها باشند. علت این امر هم آن است که انسان خلیفه خدا در زمین و امانت‌دار او است. که به این ترتیب باید اعمال او رنگ و صبغه الهی به خود بگیرد. اصول اصلی حاکم بر عالم وجود مطابق تعالیم اسلامی عبارتند از: وحدت در کثرت، تعادل، اندازه، هارمونی (هماهنگی)، حساب و از این قبیل. (نقی‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۹)

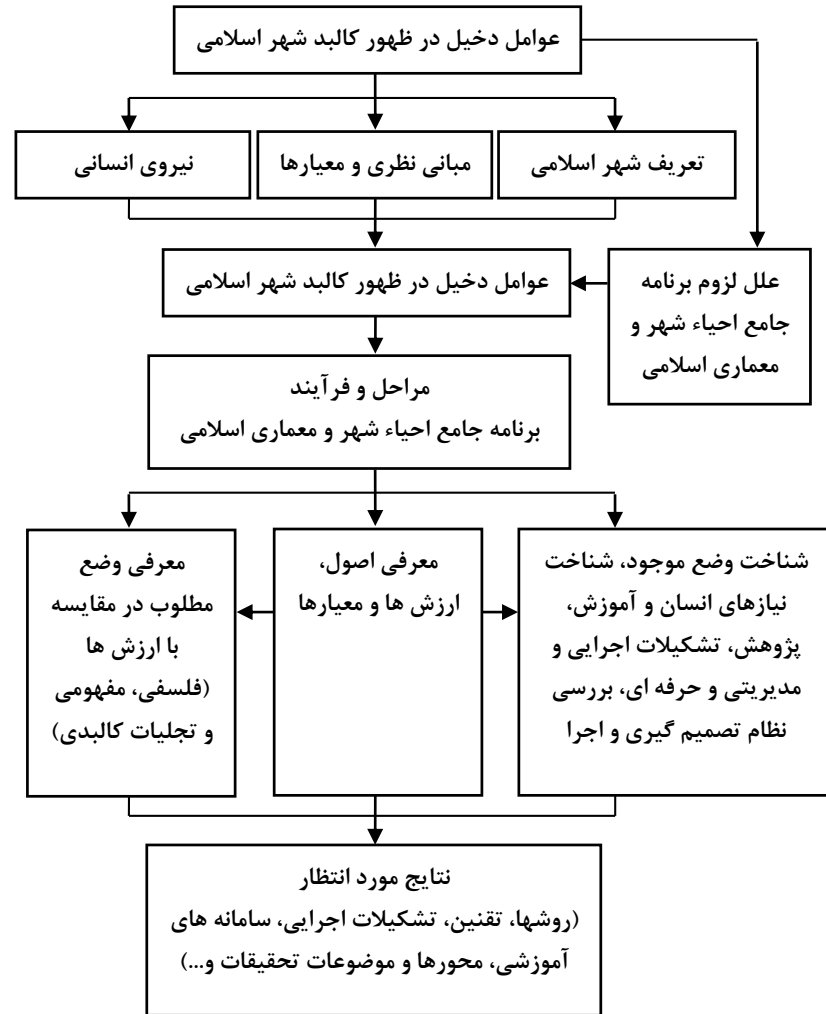
بر پایه‌ی تحلیل از وضع موجود، به نظر می‌رسد که طرح جامعی لازم است که جملگی ابعاد اجرایی آموزشی و نظری و عملی مربوط به معماری و شهرسازی برای جامعه‌ای مسلمان را مد نظر داشته باشد و ضمن سیاست‌گذاری متناسب برای تشکیلات مختلف، نظارت بر اجرای صحیح برنامه‌ها را نیز عهده‌دار شده و بتواند با ارائه و پیاده کردن الگوهای توسعه‌ی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و فرهنگ ملی، دگرگونی در نحوه‌ی نگرش به محیط را باعث شود. (نقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۸)

۳-۱-۱- فرآیند تهیه‌ی برنامه‌ی جامع

معرفی اصول، ارزش‌ها و معیارها: تبیین اصول و ارزش‌های بنیادین که باید ملاک عمل و معیار ارزیابی مراتب و مراحل کار قرار گیرند. شناسایی و تدوین ارزش‌های منبعث از جهان‌بینی و فرهنگ جامعه به‌عنوان مبانی مقررات و قوانین شهرسازی موضوعی است که به عنوان مرحله‌ی اول توجه جدی را طلب می‌نماید. برای ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌ها باید معیارهای منبعث از جهان‌بینی جامعه تدوین و منتشر شوند. این معیارها به‌ویژه برای ارزیابی الگوهای وارداتی ضرورتی است که در عین هدایت جامعه در مسیر صحیح، مصونیت لازم در برابر الگوها و آراء بیگانه را نیز تأمین می‌نماید.

شناخت بستر و وضع موجود: گام بعدی در تهیه‌ی برنامه‌ی موردنظر، شناخت امکانات و محدودیت‌ها (مشتمل بر تشکیلات مرتبط، مشکلات تحقیق، اسناد و مدارک در دسترس)، شناخت نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیری و اجرا، شناخت دیدگاه‌ها و نظرات متفکرین و متخصصین (برنامه‌ریزان و مجریان)، شناخت نظام آموزشی معماری و شهرسازی، شناخت تأثیر رسانه‌ها و ارتباطات، شناخت تحولات و آراء جهانی، شناخت سایر رشته‌های تأثیرگذار بر رشته‌های شهرسازی و معماری و شناخت آرمان‌های اصیل جامعه ضرورت دارد.

معرفی بستر و وضعیّت مطلوب: شناخت وضعیّت آگاهی به ویژگی‌های بستر و وضعیّت مطلوب (یا به عبارت بهتر آگاهی به ویژگی‌های چشم‌انداز و هدف) ضرورتی است که ضمن وضوح وضعیّت آرمانی و اهداف می‌تواند در شناخت راه‌های وصول به آنها و همچنین ارزیابی بستر و وضع موجود و آراء پیشنهادی نقشی اساسی را ایفا نماید. در این مقوله شناخت و تدوین تعاریف، اعم از تعاریف تبیینی و تعاریف تأسیسی و تعاریف قراردادی در عرصه‌های دینی، عرفانی، فلسفی، فیزیکی، هنری، علمی، فنی و کالبدی که منجر به شناخت ارزش‌های مفهومی و کالبدی می‌شود گام اصلی خواهد بود. این فرایند در شکل ۲ نشان داده شده است. ضرورت توجه دانشگاه‌ها و نشریات معتبر به موضوع معماری بومی، برگزاری دوره‌های آموزشی و مسابقات معماری، در بکار بردن مصالح بومی و ایجاد طرح‌های متنوع با استفاده از مصالح بومی، توجه به موضوع مشارکت مردمی (البته به اشتباه، در ایران موضوع مشارکت مردمی به تأمین منابع مالی توسط مردم تعبیر می‌شود)، مطالعه فلسفه و مبانی نظری اسلامی برای دستیابی به اسلامی و اجتناب از تفکر و نگرش و شیوه برخورد مدرنیته در «مدرن از بالا» هویت و نادیده گرفتن خواسته‌ها، نیازها و فرهنگ مردم، موضوعاتی است که در تحقق هویت فرهنگ اسلامی در ساختار کالبدی شهرهای معاصر ایران مفید خواهد بود. (کریمی، ۱۳۹۰: ۹۰)



شکل ۲: فرآیند و مراحل پیشنهادی برای تهیه برنامه جامع احیاء شهر و معماری اسلامی (نقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۹)

۳-۲- اهداف و دستاوردهای برنامه جامع احیاء شهرسازی و معماری اسلامی

به نظر می‌رسد که باتوجه به اهدافی که تعالیم اسلام برای غایت حیات و فعالیت‌های انسان تعریف می‌کنند و با عنایت به جایگاه و اهمیت محیط زندگی در هدایت رفتارها و القاء ارزش‌ها و تذکر معانی، برای برنامه‌ی جامع احیاء شهرسازی و معماری اسلامی نیز اهدافی قابل تبیین است. با عنایت به بخش‌های قبلی، نتیجه‌گیری برنامه عمدتاً بر تبیین سیاست‌ها و روش‌های اصلاح وضع موجود در جهت دستیابی به محیطی شکل گرفته بر پایه‌ی مبانی نظری اسلامی خواهد پرداخت، که مباحث اصلی آن عبارتند از:

معرفی روش تحقیق بومی: یکی از اصلی‌ترین دستاوردهای این برنامه معرفی روش تحقیق مناسب و درخور و بومی برای برنامه‌ها و طرح‌های مشابه است. در این زمینه باید مطالعات بر جهان‌بینی اسلامی و فرهنگ ایرانی متمرکز باشد تا بتوان سؤالات مناسب آنها را برای شهر مطلوب تدوین کرد و به تبع آن روش تحقیقی بومی را ابداع و محیط مطلوب ویژه‌ای را خلق نمود.

شناسایی و تبیین روش‌ها: در مقولات مختلف و زمینه‌های گوناگون و محورهای متفاوت، بهره‌گیری از روش‌های مختلفی را می‌توان به کار بست یا توصیه نمود. یکی از این روش‌ها، روش بهره‌گیری از منابع است. طبیعی است که تحقیقات در هر جهان‌بینی و تفکری روش‌های خاص خویش را طلب می‌کند. علاوه بر آن، شناسایی روش‌هایی برای موضوعات زیر مورد توجه خواهد بود: نحوه‌ی بهره‌گیری از منابع اولیه، روش بهره‌گیری از منابع ثانویه، روش بهره‌گیری از تجارب سایر تمدن‌ها، و روش بهره‌گیری از آثار پشتیبان. به این ترتیب، پایه‌گذاری مبانی نظری و روش‌هایی که امکان انجام پژوهش‌ها و گرایش به سمت تجلی معماری و شهرسازی اسلامی را فراهم می‌نمایند، یکی از اهداف و دستاوردها خواهد بود.

شناخت روش‌های هویت‌بخشی و احیاء هویت اسلامی و ایرانی: شناخت این روش‌ها، یکی از اهداف اصلی است که می‌تواند پاسخگوی یکی از مهم‌ترین نیازهای انسانی جامعه‌ی امروز ایران باشد. این هدف از طریق بهره‌گیری از نمادها و نشانه‌ها، استفاده

از هنرهای بومی و ملی، توجه به سازمان فضایی و عناصر شهری، در ایجاد ارتباط منطقی با گذشته و ملحوظ داشتن سایر موارد متناسب قابل تحصیل خواهد بود.

توجه به انسان و تأمین نیازهای اهل شهر؛ در بسیاری مقولات شهرسازی رایج، عامل انسان به صورت کمی (جمعیت) مد نظر قرار می‌گیرد و مانند سایر امور مادی و فیزیکی (کاربری و اقلیم و اقتصاد) مطالعه می‌شود. این در حالی است که در تعالیم دینی توجه به کیفیت زندگی یا بعد معنوی حیات به‌عنوان وجه بارز نیاز انسان مطرح است؛ و این همان نیازی است که در تمدن دنیای معاصر مغفول مانده است. به عبارت دیگر، فقدان تعادل و خروج از تعادل؛ عامل اصلی مسائل و مشکلات جوامع معاصر است، که یکی از مهم‌ترین آنها محیط و فضای است که انسان در آن زندگی می‌کند.

ارائه برنامه‌ی آموزشی: تحول و دگرگونی سامانه‌ی آموزشی و منابع و شرح دروس برنامه‌های آموزشی به همراه ایجاد تضمینی برای تا حد تغییر و حتی تضاد یا منظور اصلی برنامه‌ریز و شرح‌های مصوب دروس ظاهر می‌شوند، مقوله‌ای است که به‌خصوص در دروس غیرفنی و غیرتجربی که با فکر و فلسفه و جهان‌بینی و فرهنگ سروکار دارند ضرورتی انکارناپذیر است.

تشکیلات کارآمد: تدوین و معرفی تشکیلات اجرایی و آموزشی در پایه‌گذاری و تجلی معماری و شهرسازی اسلامی نیز می‌تواند به عنوان یکی از اهداف و دستاوردهای طرح مطرح شود. اصلاح تشکیلات اداری و فرایند تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری و اجزاء آنها اعم از قوانین و مقررات و در رأس همه، بازآموزی و آموزش مداوم نیروی انسانی ذی‌ربط و ذی‌مدخل موضوعی است که بدون آن تأثیر سایر تمهیدات نیز کم‌رنگ و ضعیف خواهد بود.

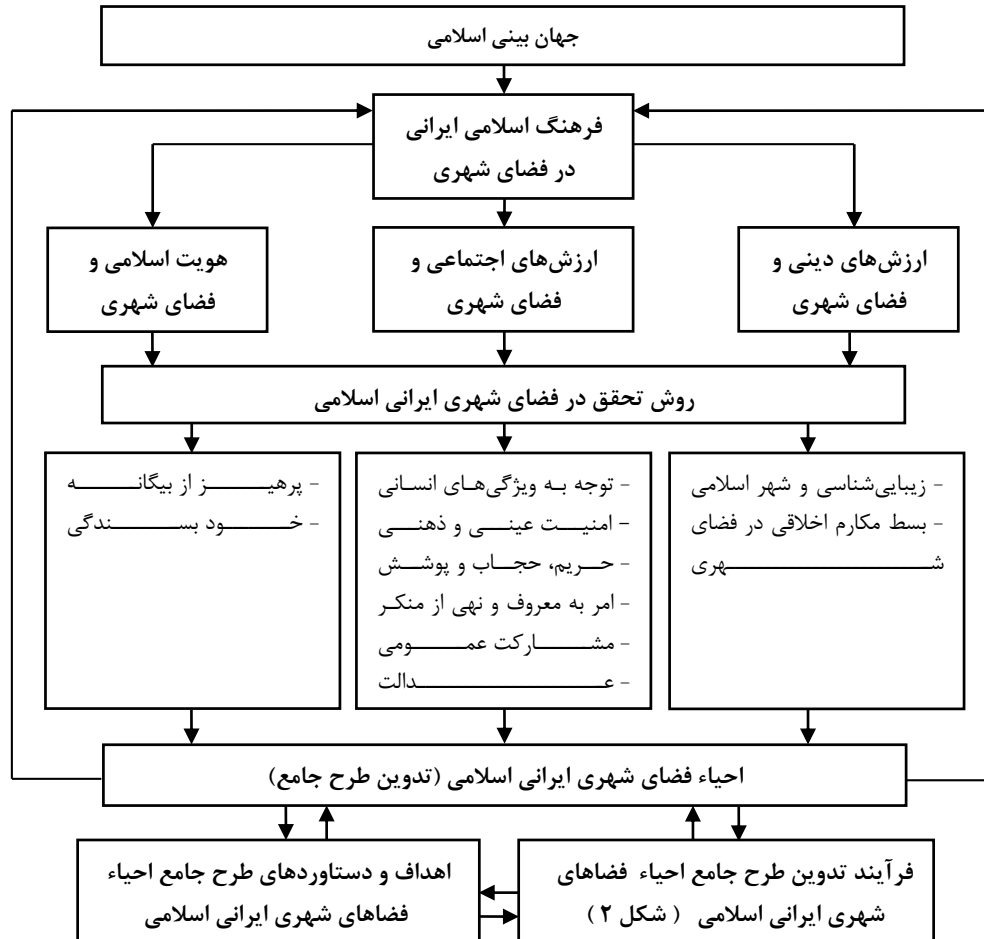
۴- راهبردها

شهر اسلامی با طبیعت روستیک (دست نخورده) پیوند دارد و وحدت، تعاون و همسویی در بین مردم شهر در سطوح مختلف محله تا شهر در آن حقیقت می‌یابد. آرامش و امنیت و زیبایی حاصل از آن در جای جای شهر حاکم است و تک تک ساختمان‌ها و اجزاء آن سعی در جلب توجه نسبت به خود ندارند و هماهنگی (با سمت و سوئی آسمانی) نه تنها در بین آنها حاکم است، بلکه این هماهنگی در محیط مصنوع با اقلیم و محیط طبیعی، در عملکردهای مجاور، محیط با نیازهای انسان و محیط با ویژگی‌های روحی و فیزیولوژیکی انسان وجود دارد، ظرافت که ریشه درافکار کمال‌جویانه سازندگان شهر و اجزاء آن داشته و به نوعی حکایت از آرمان‌های ذهنی خداجویانه آنان دارد، در جای جای شهر و در طراحی و ساخت کلیه عناصر شهر به چشم می‌خورد. لذا، در شهر اسلامی، خبری از آشفتگی فضاها که نشان از روح مادی و ناآرام پدیده آورنده آن دارد نیست. (رفیقدوست و شه‌ایبان، ۱۳۸۷: ۱۵۹). آنچه از مجموعه مطالعات به دست می‌آید، مبین این موضوع است که دستیابی به فرهنگ خودی به معنای شبیه شدن به دیگران اعم از گذشته خود یا ملل دیگر نیست. دستیابی به فرهنگ خودی حرکت در بازه‌های سنت است که دامنه آن در عرف و شرع زندگی هر ملتی گسترده شده است. به نظر می‌رسد، به کارگیری تفکر مدرنیته در ایران، رویه تولید معماری و فرآیند خلق آن را نادیده گرفت و به تبع نبود فرآیند مناسب یا فرآیند سازگار با این مرز و بوم هرآنچه تولید شد، صورتی متفاوت بود که به نقد کشیده شد. اما از آنجا که اکثر نقدها، آرزوی شهرهای توریستی قدیمی را داشتند، بدون توجه به موضوع فرآیند و گرفتاری محصول نگرانی به تاریخ (بازآفرینی شکلی معماری اسلامی به جای تفکر در فرآیند و شیوه‌ای که معماری اسلامی را بوجود آورده است)، هرگز نتوانست چهره بومی از شهر و معماری بر انگیزد. (نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۰) دستیابی به هویت اسلامی نیازمند فرآیندی است که با توجه به ابعاد مختلف هویت مکان شکل گرفته باشد. برای نیل به اهداف یادشده راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

- توجه به نیازهای انسان مسلمان ایرانی و رفع نیازها از طریق ساختار کالبدی شهر
- توجه به مفهوم زیبایی از دیدگاه اسلامی و کاربست آن در سیمای شهر معاصر
- توجه در بکارگیری نمادها و نشانه‌ها و انطباق آنها با فرهنگ ایرانی اسلامی
- توجه به موضوع فعالیت‌های انسانی در شکل‌گیری کالبدی شهر در کنار موضوعات اقلیمی، طبیعی، ترافیکی و...
- توجه به موضوعات اجتماعی بالاخص تفکر اجتماعی از دیدگاه اسلام و کاربست آن در ساختار کالبدی شهر معاصر
- توجه به تفکر نهادینه شدن شهر اسلامی و پرهیز از نگرش ضابطه‌ای و ماکت وار به مفهوم شهر
- بکارگیری نظرات غربیان در انطباق با فرهنگ اسلامی ایرانی. به عنوان مثال خوانایی در فرهنگ ایرانی
- توجه به اصل تداوم در طرحهای توسعه شهری از طریق استخراج عوامل مهم در شخصیت شهرها و طرح آنها به صورت ضوابطی برای طرحهای توسعه شهری
- از آنجا که شهر اسلامی ایرانی مکان سکونت مسلمانان می‌باشد، لذا ضرورت دارد تا منطبق با شرع و عرف اسلامی ضابطه مند شود تا حقوق فردی، جمعی و مکتسبه عموم رعایت و مورد احترام واقع شود.
- در نهایت، آموزش‌های مردمی، تبلیغات فرهنگ خودی و پرهیز از تبلیغ فرهنگ بیگانه، توسعه تولیدات بومی به لحاظ کمی و کیفی (کرمی، ۱۳۹۰: ۸۸۹)

۵- نتیجه گیری

جدایی از ارزش‌ها باعث از دست دادن معماری منسجم و مرتبط با زندگی مردم شده است. مهمترین تهدید آن بی توجهی به آداب و رسوم در شکل‌دهی به معماری و فضاهای شهری است. هرچه به فرآیند شکل‌گیری معماری ایرانی توجه شود نتیجه بهتری از نگرش و تقلید صرفاً شکلی از معماری گذشته برای دستیابی به معماری هویت‌مند معاصر حاصل خواهد شد. شکل ۳ عنوان جمع‌بندی حاصل از این مقاله ارائه شده است، بیانگر راهکارهایی جهت ایجاد چهره ایرانی اسلامی به فضاهای شهری معاصر است.



شکل ۳: روند تقویت نقش فرهنگ اسلامی ایرانی در فضاهای شهری

منابع

۱. اسدیپور، علی (۱۳۸۵): «فضاهای شهری و هویت فرهنگی»، فصلنامه معماری ایران (ما)، شماره ۲۵، صص ۴۴-۵۲.
۲. اعوانی، غلامرضا و همکاران (۱۳۷۴): «بیگانگی عمل و نظر معماری در سخن متفکران معاصر»، فصلنامه آبادی، شماره ۱۹، صص ۴۹-۴۶.
۳. بحرینی، سیدحسین (۱۳۸۷): «تحلیل فضای شهری»، چاپ ششم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۴. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶): «مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری»، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
۵. پوراحمد، احمد و موسوی، سیروس (۱۳۸۹): «ماهیت اجتماعی شهر اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۲، صص ۱۱-۱.
۶. توسلی، محمود، (۱۳۷۹)، «شهر: کانون فرهنگ»، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۷، دانشگاه تهران، صص ۳۶-۳۴.
۷. دانش، جابر (۱۳۹۰): «مبانی معنوی شکل‌گیری شهر اسلامی»، مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۶۱-۵۸۹.
۸. رفیق‌دوست، رضا و شهابیان، پویا (۱۳۸۷): «درآمدی بر شناخت وجوه زیبایی در قرآن با تأکید بر تجلی جمال توحیدی در صفات شهر اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های دینی، شماره ۱۶، صص ۱۶۰-۱۳۹.

۹. زیاری، کرامت الله (۱۳۸۲): «تأثیر فرهنگ در ساخت شهر، با تأکید بر فرهنگ اسلامی»، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۲، صص ۹۵-۱۰۸
۱۰. زینالزاده، یوسف و ارجمندی باسمنج، سحر (۱۳۹۰): «بررسی مفهوم عدالت در شهرهای عهد اسلامی»، مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۶۳۶-۶۱۱
۱۱. سلسله علی و سلسله محسن (۱۳۸۸): «بررسی تأثیر عامل هویت (ایرانی، اسلامی) بر زیبایی شهر»، دوفصلنامه آرمانشهر، شماره ۲، صص ۴۷-۵۸
۱۲. صارمی، حمیدرضا و صارمی، مسعود (۱۳۸۹): «عوامل پیدایش ناامنی در شهرها از منظر اسلام»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱، صص ۴۵-۵۸
۱۳. فرجام، رسول و همکاران (۱۳۹۰) «مفهوم اجتماعی شهر از منظر متون اسلامی»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره ۲، صص ۲۷-۴۰
۱۴. فکوهی، ناصر (۱۳۸۹): «انسان شناسی شهری»، چاپ ششم، تهران، نشر نی
۱۵. کرمی، اسلام (۱۳۹۰): «فرآیند توجه به هویت اسلامی در ساختار کالبدی شهرهای ایرانی؛ دستیابی به حس مکان اسلامی- ایرانی در طراحی شهری معاصر»، مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۸۶۷-۸۹۴
۱۶. گروتز، یورگ (۱۳۸۳): «زیباشناختی در معماری»، ترجمه: جهانشاه پاکزاد، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
۱۷. مدنی پور، علی (۱۳۷۹): «طراحی فضای شهری» مترجم: فرهادمرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران
۱۸. معاریان، غلامحسین (۱۳۸۴): «سیری در مبانی نظری معماری»، چاپ دوم، تهران، انتشارات سروش دانش
۱۹. منجزی، نورمحمد و رفیعی، سیدعلی محمد (۱۳۹۰): «نوشهر اسلامی و عامل عدالت؛ اصول و ضوابط حاکم بر احداث و ارزیابی»، مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۶۵۵-۶۸۸
۲۰. منصوری، علی (۱۳۸۹): «حجاب و پوشیدگی در شهرسازی ایرانی-اسلامی، نمونه پژوهش میدانی: بافت قدیم شهر شیراز»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، سال بیست و نهم، شماره ۱۳۰، صص ۳۸-۴۹
۲۱. نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۸۷): «درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی»، چاپ اول، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر معماری و طراحی شهری
۲۲. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۳): «بارزه های شهر و معماری اسلامی»، نامه فرهنگستان علوم، شماره ۲۶ و ۲۷، صص ۷۴-۴۳
۲۳. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۷): «شهر و معماری اسلامی؛ تجلیات و عینیات»، چاپ اول، اصفهان، انتشارات مانی
۲۴. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۸): «طرح کلی برنامه‌ی جامع احیاء شهر اسلامی»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۳۶، صص ۱۳-۴
۲۵. نقی‌زاده، محمد و همکاران (۱۳۸۹): «ملاحظات فرهنگی در شکل دهی به نماهای شهری با تکیه بر ساختار نماهای شهری ایرانی در دوران اسلامی» دوفصلنامه هویت شهر، سال پنجم، شماره ۷، صص ۶۱-۷۴